

۱۱ سپتامبر

فیلمنامه و عکس

سمیرا مکملیاف

۱۱ سپتامبر

فیلمنامه و عکس

سمیرا محملباف

نشرنیکان

۱۱ سپتامبر
سمیرا محملباف
فیلمنامه و عکس
چاپ اول: نشرنیکان، لندن، ۲۰۲۴
کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

تیتراژ:

نام فیلم: ۱۱ سپتامبر

نام اپیزود: «خدا، ساختن، تخریب»

فیلمنامه و کارگردانی: سمیرا مخلباف

بازیگران: مریم کریمی، عصمت، عاقله

مدیر فیلمبرداری: ابراهیم غفوری

صدابردار صحنه: سasan باقرپور

دستیار کارگردان: مرضیه مشکینی

اکبر مشکینی

منشی صحنه: حنا مخلباف

مدیر تولید: سیامک علاقه‌بند

عکاس: محمد احمدی

صدا گذاری: حسین مهدوی

تدوین: محسن مخلباف

تیهیه کننده: کمپانی یونیورسال

تایم: ۱۱ دقیقه و ۹ ثانیه و ۱ فریم

۳۵ میلیمتری، رنگی

اولین حضور جهانی: جشنواره ونیز سال ۲۰۰۲

تاریخ اکران جهانی: اولین سالگرد ۱۱ سپتامبر در کشورهای جهان



بیوگرافی

سمیرا مخملباف، سینماگر. متولد ۲۶ بهمن ۱۳۵۸ در تهران. در ۸ سالگی در فیلم *بایسیکل* ران ساخته پدرش محسن مخملباف بازی کرد. در سن ۱۷ سالگی فیلم سینمایی «سیب» را ساخت و به عنوان جوان‌ترین کارگردان جهان در بخش رسمی فستیوال کن (۱۹۹۸) حضور یافت. «ژان لوک گدار» بارها سمیرا را به خاطر فیلم سیب ستایش کرد و گفت: «اگر سالی دو سه فیلم شبیه سیب ساخته شود، سینما هنوز نموده است.» فیلم سیب در ظرف دو سال به بیش از ۱۰۰ جشنواره بین‌المللی دعوت شد و در بیش از ۳۰ کشور جهان اکران شد و سیزده جایزه بین‌المللی از جمله جام ساترلند را از جشنواره لندن برای سینمای ایران به دست آورد.

در سال ۱۹۹۹، سمیرا دومین فیلم سینمایی خود به نام «تخته سیاه» را ساخت. و در سال ۲۰۰۰ وقتی که وی ۲۰ ساله بود در بخش مسابقه اصلی جشنواره کن حضور یافت و جایزه ویژه هیات داوران را برای فیلم تخته سیاه از آن خود ساخت. تخته سیاه هم چنین برنده جایزه مдал فلینی از یونسکو و جایزه تروفو از ایتالیا شد. فیلم در سراسر جهان اکران شد و بیش از ۲۰۰ هزار نفر در پاریس برای دیدن این فیلم به سینما رفتند.

در سال ۲۰۰۱ سمیرا فیلم کوتاه خدا، ساختن، تخریب را ساخت که به عنوان اولین اپیزود از فیلم ۱۱ سپتامبر قرار داده شد. در این فیلم کن لوچ از انگلیس، ایمامورا از ژاپن، یوسف شاهین از مصر، شان پن از آمریکا هر یک اپیزودی از فیلم را ساختند که در نیز سال ۲۰۰۲ به نمایش در آمد.

سومین ساخته سینمایی سمیرا به نام «پنج عصر» که اولین فیلم سینمایی ساخته شده در افغانستان پس از دوره طالبان است، در سال ۲۰۰۲ در کابل فیلمبرداری شد و در سال ۲۰۰۳ در بخش مسابقه اصلی جشنواره کن حضور یافت. سمیرا بار دیگر موفق به دریافت جایزه ویژه هیأت داوران از بخش مسابقه اصلی جشنواره کن شد. گاردن در سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ او را به عنوان یکی از ۴۰ کارگردان برتر جهان معرفی کرد.

چهارمین ساخته سینمایی سمیرا به نام «اسب دوپا» در سال ۲۰۰۷ در شمال افغانستان ساخته شد و برنده جایزه بزرگ

جشنواره سن سباستین از اسپانیا شد.

کارگردانی فیلم:

۱. اسب دوپا
۲. پنج عصر
۳. ۱۱ سپتامبر
۴. تخته سیاه
۵. سیب

جوایز بین‌المللی:

۱. «جایزه ویژه هیئت داوران» از بخش مسابقه اصلی جشنواره فیلم کن، فرانسه ۲۰۰۰ (به خاطر فیلم تخته سیاه)
۲. جایزه «ویژه هیات داوران» از بخش مسابقه اصلی جشنواره کن، فرانسه ۲۰۰۳ (به خاطر فیلم پنج عصر)
۳. «جایزه صلح» از یونسکو، فرانسه ۲۰۰۰ (به خاطر فیلم تخته سیاه)
۴. جایزه «ویژه هیئت داوران» از پنجاه و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم سن سباستین، اسپانیا ۲۰۰۸ (به خاطر فیلم اسب دوپا)
۵. جایزه «فرانسوا تروفو» از جشنواره فیلم جیوفونی، ایتالیا ۲۰۰۰ (به خاطر فیلم تخته سیاه)
۶. جایزه «جام ساترلند» از جشنواره فیلم لندن، انگلستان ۱۹۹۸ (به خاطر فیلم سیب)
۷. جایزه «مدال فدریکو فلینی» از یونسکو، فرانسه ۲۰۰۰ (به

خاطر فیلم تخته سیاه)

۸. جایزه «پرده نقره‌ای» هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم سنگاپور ۲۰۰۴ (به خاطر فیلم پنج عصر)
۹. جایزه «طاووس طلایی» برای بهترین فیلم در بخش مسابقه سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم هند، برای فیلم «پنج عصر»
۱۰. «جایزه منتقدین بین‌المللی» از جشنواره فیلم لوکارنو، سوئیس ۱۹۹۸ (به خاطر فیلم سیب)
۱۱. جایزه «ویژه» از جشنواره بین‌المللی فیلم‌های آسیایی رم، ایتالیا ۲۰۰۸ (به خاطر فیلم اسب دوپا)
۱۲. جایزه «جُرج دلرو» برای بهترین موسیقی فیلم، از جشنواره بین‌المللی فیلم گنت، بلژیک ۲۰۰۸ (به خاطر فیلم اسب دوپا)
۱۳. سمیرا به عنوان یکی از چهل فیلمساز برتر معاصر جهان (و جوان‌ترین آنها) به انتخاب گارдин، انگلیس ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵
۱۴. جایزه بزرگ «اکومنیک» از جشنواره فیلم کن، فرانسه ۲۰۰۳ (به خاطر فیلم پنج عصر)
۱۵. جایزه «بزرگ از موسسه فیلم آمریکا» (AFI) ۲۰۰۰ (به خاطر فیلم تخته سیاه)
۱۶. جایزه «شهر جیفونی» از جشنواره فیلم جیفونی، ایتالیا ۲۰۰۰ (به خاطر فیلم تخته سیاه)
۱۷. جایزه «قماش‌گران» از جشنواره سینمای مستقل، آرژانتین ۱۹۹۹ (به خاطر فیلم سیب)
۱۸. جایزه «منتقدین» از جشنواره سینمای مستقل، آرژانتین ۱۹۹۹ (به خاطر فیلم سیب)

۱۹. جایزه ویژه هیئت داوران از جشنواره سینمای مستقل، آرژانتین ۱۹۹۹ (به خاطر فیلم سیب)

۲۰. جایزه «ویژه هیئت داوران» از جشنواره فیلم سائوپائولو، بربزیل ۱۹۹۸ (به خاطر فیلم سیب)

۲۱. جایزه «ویژه هیئت داوران» از جشنواره فیلم تسالونیکی، یونان ۱۹۹۸ (به خاطر فیلم سیب)

۲۲. جایزه «آلیس گی» از جشنواره سیبریا اسپانیا ۲۰۱۳ (به خاطر استعداد بدون شک سمیرا در سینما، و مبارزه برای آزادی بیان.»

داوری در جشنواره‌های بین‌المللی:

۱. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم کن در فرانسه سال ۲۰۰۱

۲. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز در ایتالیا سال ۲۰۰۰

۳. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم برلین در سال ۲۰۰۴

۴. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم لوکارنو در سوئیس سال ۱۹۹۸

۵. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم سن سباستین در اسپانیا ۲۰۰۹

۶. ریس هیات داوران جشنواره ونیز (Venice Days) در ایتالیا ۲۰۱۷

۷. ریاست هیات داوران جشنواره بین‌المللی فیلم ادینبورگ در اسکاتلند ۲۰۱۳

۸. ریاست هیات داوران جشنواره بین‌المللی فیلم گوتنبرگ در سوئد ۲۰۱۳

۹. ریاست هیات داوران جشنواره بین‌المللی فیلم مونترال در کانادا ۲۰۰۳

۱۰. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم مسکو در روسیه ۲۰۰۰

۱۱. داوری در جشنواره بین‌المللی فیلم اتودیا ایما در لهستان
۲۰۱۲

۱۲. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم آمستردام در هلند ۲۰۱۲

۱۳. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم داکو لیسبوآ در پرتغال ۲۰۱۲

۱۴. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم داکوفست در کوزوو ۲۰۱۲

۱۵. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم همپئی در هند ۲۰۱۰

۱۶. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم کرالا در هند ۲۰۰۸

۱۷. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم سائوپائولو در برزیل ۲۰۰۸

۱۸. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم اروپا آسیا در ترکیه ۲۰۰۶

۱۹. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم قطر در دوحه ۲۰۰۱

۲۰. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم ژنو در سوئیس ۲۰۰۰

۲۱. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم همپئی در هند ۲۰۱۰

مرور بر آثار بین‌المللی:

۱. جشنواره بین‌المللی مونیخ، آلمان ۲۰۰۶

۲. جشنواره بین‌المللی کارلوویواری، جمهوری چک ۲۰۰۴

۳. جشنواره بین‌المللی فیلم کرالا در هند ۲۰۰۸

۴. جشنواره بین‌المللی زنان در آلمان ۲۰۰۸

۱۱ سپتامبر
فیلم اپیزودیک

فیلم ۱۱ سپتامبر توسط ۱۱ کارگردان از ۱۱ کشور جهان درباره حادثه ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ ساخته شد. همه فیلم‌سازان برگزیده برای این مجموعه، با نگاهی مستقل و متفاوت به این موضوع پرداختند:

سمیرا مخلباف از ایران، شان پن از آمریکا، کن لوچ از انگلیس، یوسف شاهین از مصر، آموس گیتای از اسرائیل، میراناییر از هند، کلود للوش از فرانسه، شووهه ایمامورا از ژاپن، الکساندرو گونزالس از مکزیک، دانیس تانوویچ از بوسنی و...

زمان هر یک از این فیلم‌های کوتاه که یک مجموعه اپیزودیک را شکل می‌دهد، یازده دقیقه و نه ثانیه و یک فریم است، به نشانه روز یازدهم از ماه نهم از سال دو هزار و یک.

اپیزود خدا، ساختن، تخریب، ساخته سمیرا مخلباف اولین فیلم این مجموعه است.

۱۱ سپتامبر

(خدا، ساختن، تخریب)

سمیرا مخلباف

حاشیه شهر تهران، بیابان، روز:

مردانی با لباس افغانی دور هم جمع شده‌اند. یکی از آن میان سر طنابی را که به چوبی وصل است می‌کشد و از انبوه مردان دور می‌شود و به عمق بیابان می‌رود. کم کم معلوم می‌شود طنابی که مرد می‌کشد، به سطحی در عمق چاه آبی وصل است. سطح از چاه بیرون می‌آید. آب گل آلود است.

صدای یک مرد:

بابا زود باشین، آمریکا می‌خواه افغانستان رو چهارون
کنه. باید پناهگاه درست کنیم.

صدای مرد دیگر:

تمام چاههای آب خشک شده، نمی‌توانیم گل درست کنیم.

محوطه خشت زنی، روز:

کودکان پنج و شش ساله، پاچه شلوارهایشان را بالا زده، گل‌ها را لگد می‌کنند تا برای خشتزنی آماده شوند. عاقله دختر مبور پنج ساله‌ای که روسربانی بر سر دارد، سطل آب را بر گل‌ها می‌ریزد و کنار عصمت پسر پنج ساله‌ای که سرش را با دستار بسته است می‌نشیند.

عاقله:

یک نفر افتاده توی چاه مرده، بعد یه نفر دیگه رفته کمک اش کنه، افتاده توی چاه پاش شکسته.

عصمت:

(در حالی که گل‌ها را در قالب خشت می‌ریزد). یه نفر نبود، دو نفر بود، داشتن چاه می‌کنند، افتادن توی چاه و مُردنند. یکی شون بابای چمن بود، یکی اش بابای حسن.

عاقله:

بابای چمن هنوز نمرده، پاش شکسته.



یکی از بچه ها:

(از دور فریاد می زند). بلند شین بیاین سر کلاس، خانوم معلم اومده.

عاقله:

(به عصمت) خانوم معلم اومد.

عصمت:

سر قالب خشت رو بگیر بلندش کنیم.

خانوم معلم از دور می آید. گونی ای بر دوش دارد. از کنار بچه هایی که در حال خشتزنی هستند عبور می کند. صدای آواز محزون یک زن شنیده می شود.



معلم:

بچه ها بلند شین بیاین سر کلاس. با این خشت ها که نمی شه جلوی هب اتمی رو گرفت. درسته که ما افغانی هستیم، ولی فعلا در کشور ایران پناهنده ایم.

یکی از بچه ها:

سلام خانوم معلم.
معلم:

پاشین بیاین سر کلاس دیر شد، ساعت هشت صبحه.

دالان کوره آجرپزی، ادامه:

معلم وارد دالان می‌شود. دالان کوره آجرپزی که از آرکهای خشتشی شکل گرفته و رنگ آن از پختکی به قهوه‌ای تیره می‌زند، محوطه کلاس درس بچه‌های است. در عمق دالان که در غبار پوشیده شده، تعدادی از بچه‌ها خشت‌ها را روی هم می‌چینند تا برای نشستن شاگردان کلاس صندلی درست کنند.

معلم:

(فریاد می‌زند). حسن، بچه‌ها کجا هستن؟

حسن:

نمی‌دونم خانوم.

معلم:

برو صداشون کن بیان.

معلم و حسن از دالان خارج می‌شوند.

کوچه پسکوچه‌های مخربه اطراف، ادامه:

کوچه‌های مخربه پر از دود و غبارند. زنانی که چادر گلدار کهنه بر سر دارند، در کوچه آشپزی می‌کنند. بچه‌ها پای برنه کوچه را جارو می‌کنند.

معلم:

بچه‌ها چرا هنوز نرفتین سر کلاس؟

یک بچه:

خانوم به من کتاب بدین.

معلم:

(از گوئی روی دوشش کتاب در میآورد). بیا این کتاب.

(به چند بچه دیگر) شماها بیاین مدرسه تا بهتون

کتاب بدم.

یکی از زنها:

(که در حال آشپزی است). خانوم معلم بفرمایین آش

بخارین.



یک زن دیگر:

خانوم معلم، به بچه منم کتاب بدین.

معلم:

اگه بیان سر کلاس، بهشون کتاب میدم.

معلم از میان بچه های خشتزن عبور می کند.

معلم:

سه میلیون مهاجر افغان توى ایران زندگى

می‌کنن، هر بلایی سر اونا بیاد، سر ما هم می‌آد.
بلندشین بیاین سر کلاس، خشتزنی رو وول کنین. با این
خشتها که نمی‌شه جلوی چههای امریکا رو
گرفت. مادرها بچه‌هاتونو بفرستین سر کلاس.

دادان کوره آجر پزی، لحظه‌ای بعد:
کلاس درس تشکیل شده است. بچه‌ها کتاب در دست، روی
صندلی‌های خشتنی نشسته‌اند.

معلم:

(رو به بچه‌ها) بچه‌ها یه اتفاق خیلی مهم توی دنیا
افتاده. کی خبر داره که چی شده؟
دو سه نفر از بچه‌ها دست‌شان را بالا می‌برند.

معلم:

عصمت تو بگو عزیزم.

عصمت:

یک نفر چاه می‌کنده، دو نفر افتادن توی چاه و مُردن.



عاقله:

خانوم اجازه من بگم؟

معلم:

بگو.

عاقله:

یک نفر چاه رو گود کرده، دو نفر افتادن توى چاه،
یک شون مرده، یک شون پاش شکسته.

معلم:

نه از این مهمتره... کی خبر داره؟ تو بگو نجیبه.

نجیبه:

خانوم میشه در گوشتون بگم.

معلم:

در گوشی نمیشه. بگو همه بشنوون.

نجیبه:

خانوم من میخوام در گوشتون بگم.

معلم:

نمیشه بلند بگو همه بشنوون.

نجیبه:

خاله منو توى افغانستان بردن تا گلو توى خاک
کردن، بعد با سنگ زدن توى سرشن تا مُرده.

عاقله:

خاله شو توى افغانستان توى خاک فرو...

عاقله حرفش را ناقام میگزارد و بچهها به او میخندند.

معلم:

نه بچه‌ها، یه خبر مهمتره. یه خبر جهانی. این اتفاقی که افتاده خیلی مهمه.
بچه‌ها با چشمان حیرت‌زده به معلم نگاه می‌کنند.
آمنه:

خانوم اجازه من بگم. بارون او مده، سیل شده،
آدم‌ها کشته شدن.
بچه‌ها به حرف آمنه می‌خندند.



معلم:

نه بچه‌ها، یه اتفاق خیلی مهم جهانی افتاده، که شاید جنک جهانی سوم شروع بشه. شایدم هب‌های امی بندازن و همه ما کشته بشیم. بذارین خودم بگم. در آمریکا، در شهر نیویورک، دو تا هواپیما خوردن به برج‌های تجارت جهانی... شما اصلا می‌دونین برج چیه؟ همه به بیرون نگاه کنین.
بچه‌ها از حفره‌های دالان به بیرون نگاه می‌کنند. دودکش کوره

آجرپزی سر به آسمان کشیده است.

معلم:

برج به مانند این دودکش کوره آجرپزی می‌مانه.
حالا که می‌دونین برج چیه، کی می‌دونه این برج‌ها
رو کی نابود کرد؟

بچه‌ها سر به سوی معلم می‌چرخانند.

عصمت:

خانوم اجازه من بگم؟

معلم:

بگو.

عصمت:

اونارو خدا خراب کرد.

عاقله:

(با دست به شانه عصمت می‌زند. با خنده). نخیر خدا
خراب نکرده. خدا فقط آدم‌ها رو خراب می‌کنه...
خدا که هواپیما نداره... خدا آدم‌ها رو درست ...

معلم:

همه به من نگاه کنین. (تکه کوچکی از یک تخته
سیاه را از زمین بر می‌دارد و در دست می‌گیرد). همه
چشم‌هاتون طرفِ من. (روی تخته یک دایره می‌کشد).
این عکس یک ساعته. (جای عدد دوازده را نشان
می‌دهد و انگشتش را مثل عقربه ساعت یک دور کامل
دور دایره می‌چرخاند). از اینجا شروع می‌کنیم تا
بر می‌گردیم به اینجا، می‌شه یه دقیقه. یک دقیقه

به احترام کشته شده‌گان در برج‌های تجارت جهانی سکوت می‌کنیم. (عاقله سر می‌چرخاند و با بچه‌های پشت سر خود مشغول پیچ پیچ می‌شود). ساکت. یک دقیقه سکوت از همین الان شروع می‌شود.



حسن:

(به عاقله) خدا اول همه چی رو درست می‌کنه. بعد خراب می‌کنه، بعد دوباره درست می‌کنه.

عاقله:

خدا که دیوونه نیست که مردم رو بکشه و دوباره دوست کنه.

معلم:

(فریاد می‌زند). مگه نگفتم حرف نزنین. چه خبرتونه؟ خوبه که بچه هستین، معصومیت رو حفظ کن.

آمنه:

(با هیجان دست بلند می‌کند) اجازه خانوم عاقله چیز

رو (سکوت) خراب می‌کنه.

عاقله:

(باعتبا به معلم، با بچه‌های پشت سر به پچ پچ ادامه می‌دهد.) خدا که هواییما نداره بکشه.



حسن:

خدا با ناخن اش می‌زنه آدم‌ها می‌میرند.

انگشت معلم که نقش عقربه ساعت را دارد تا نیمه دایره ساعت رفته است. معلم زیر چشمی به بچه‌هایی که سکوت را رعایت نمی‌کنند، می‌نگرد.

عاقله:

(چشم از معلم می‌گیرد، دستش را جلوی دهانش می‌گذارد، آهسته و زیر لبی در گوش عصمت نجوا می‌کند.) خدا که دیوونه نیست مردمو بکشه!

عصمت:

(با صدای بلند) خدا آدم‌هارو می‌کشه، یه آدم‌های جدید درست می‌کنه.

عالله:

خب چرا آدمهای قدیمی رو نگه نمی داره؟



عصمت:

خب آدمهای جدید درست می کنه دیگه... اصلا
خودش خداس، هر چی دلش می خود می کنه.
انگشت معلم به عدد دوازده می رسد. تخته سیاه را زمین
می گذارد.

معلم:

یک دقیقه خلاص شد، اما شما برای اون کشته
شدها سکوت نکردین. شاید یکی از اونا با
موبایل تماس گرفته باشه و کمک می خواسته... اصلا
می دونین موبایل چیه؟... موبایل چیزیه که باهاش
شماره می گیرن. تلفنی هست که سیم نداره. یک
نفر هی داد می زده، کمک کمک. اما کسی پیدا
نمی شده که کمکش کنه. حالا که شما به خاطر
اونا سکوت نکردین، پاشین بریم بیرون کنار دودکش

کوره آجر پزی، ببینیم می تونین سکوت کنین یا
نه.

بچه ها از دالان خارج می شوند.

زیر دودکش کوره آجر پزی، لحظه ای بعد:

بچه ها زیر دودکش آجر پزی صف کشیده اند. دودکش از
شعله های آتش زوزه می کشد.



معلم:

به اون آدمهایی فکر کنین که وسط اون برج،
زیر آوار و آتش موندن... از الان سکوت رو شروع
می کنیم.

بچه های کوچک به دودکش بلند نگاه می کنند. عصمت که
دستش را سایه بان چشمش کرده، رو به معلم می چرخد.

عصمت:

خانوم اجازه، اگه حرف مون او مدم، چیکار کنیم؟



معلم:

لب هاتونو گاز بگیرین و به دودکش نگاه کنیں
عصمت لب هایش را با دندان می گزد و به دودکش نگاه
می کند. از دور صدای محزون آواز زنانی به گوش می رسد. صدای
آواز زنان زیر صدای آتش دودکش گم می شود.

تهران

پاییز ۲۰۰۱

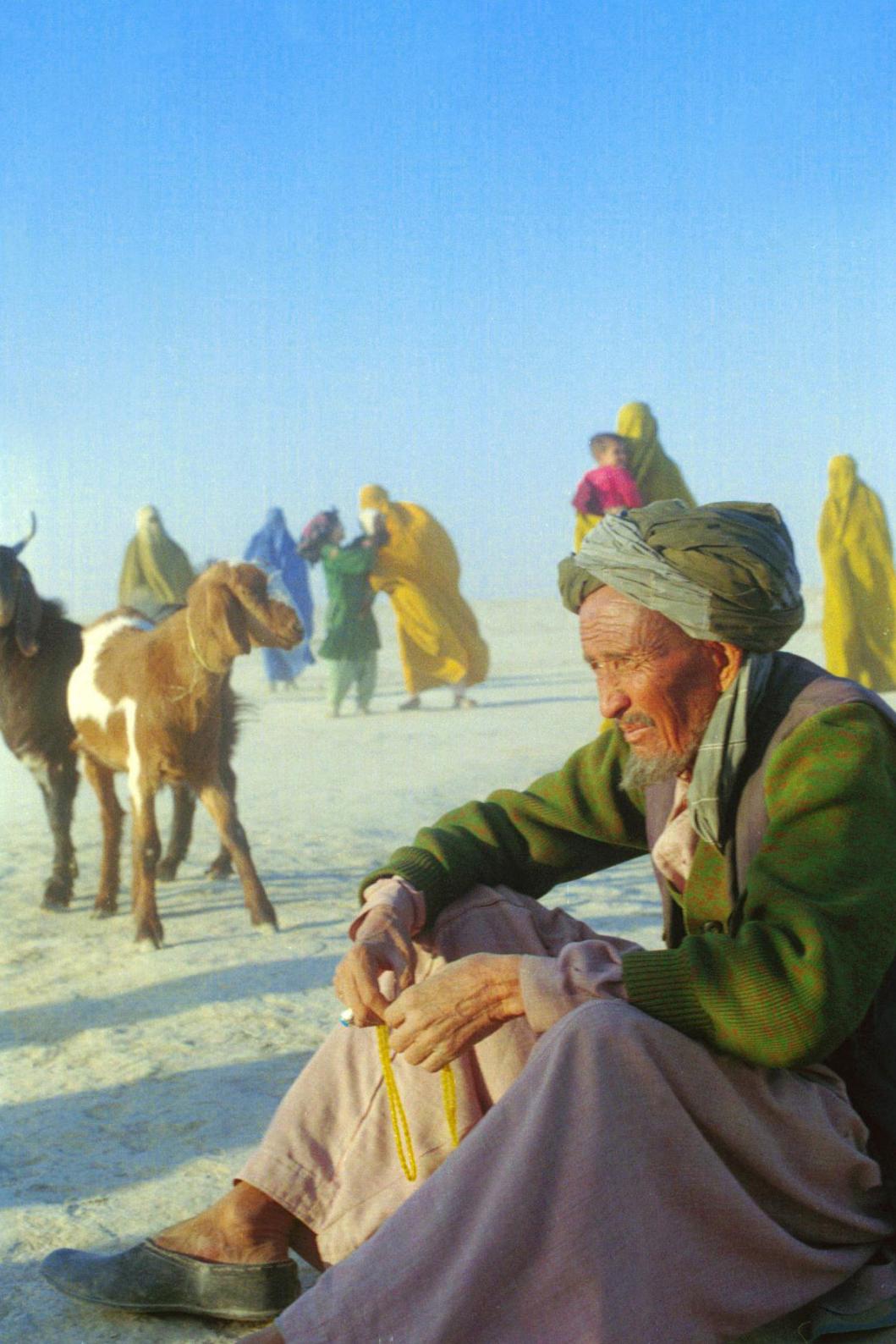
سمیرا مخلباف

افغانستان

مجموعه عکس

سمیرا محملباف

نمایشگاه عکس افغانستان سمیرا در سال
۲۰۰۱ در کاخ فستیوال کن همزمان با
برگزاری جشنواره بر پا شد.

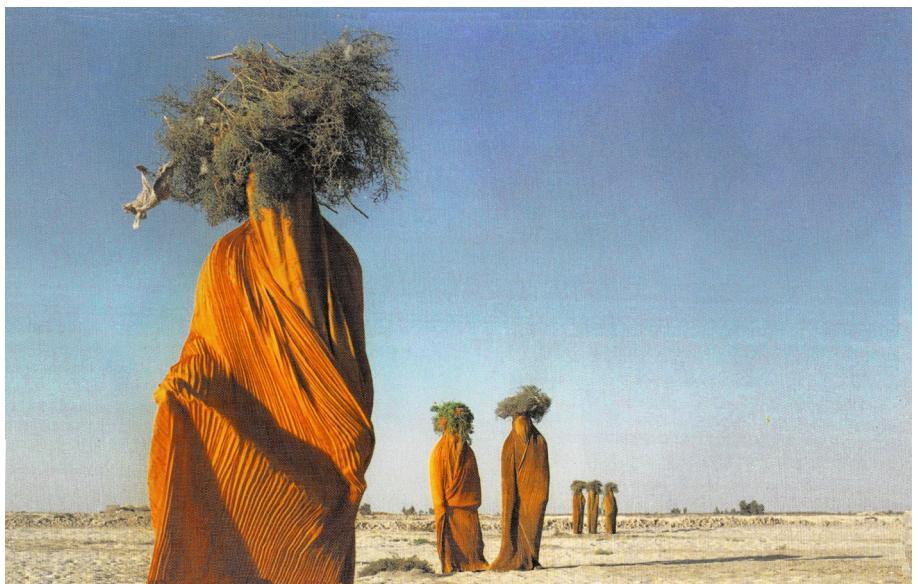






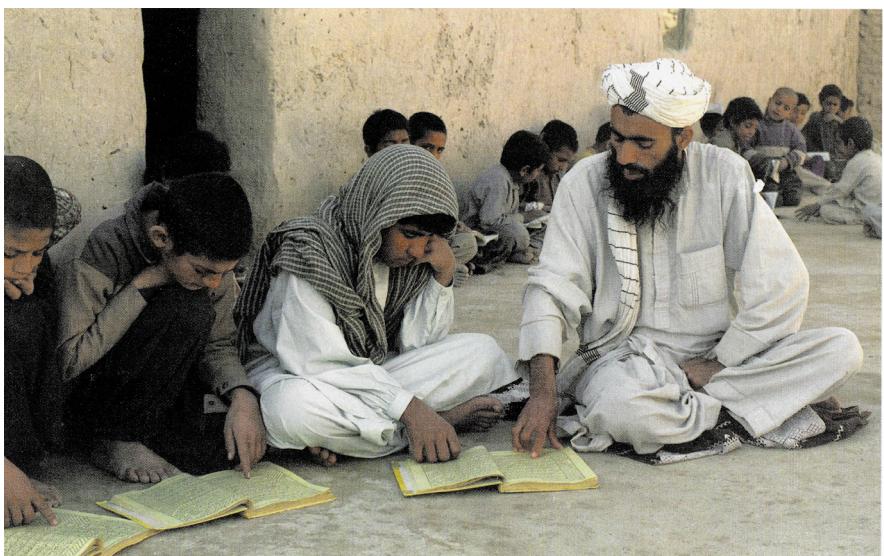


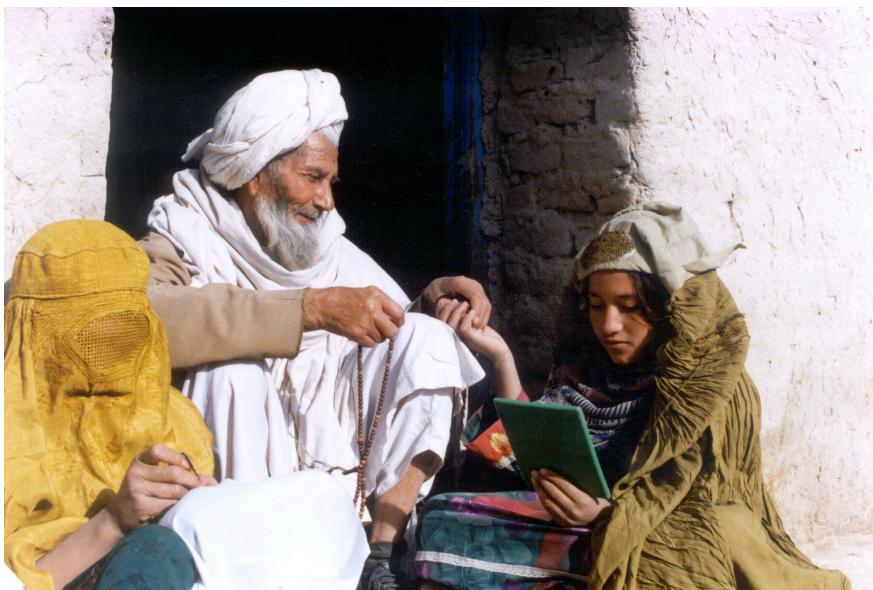


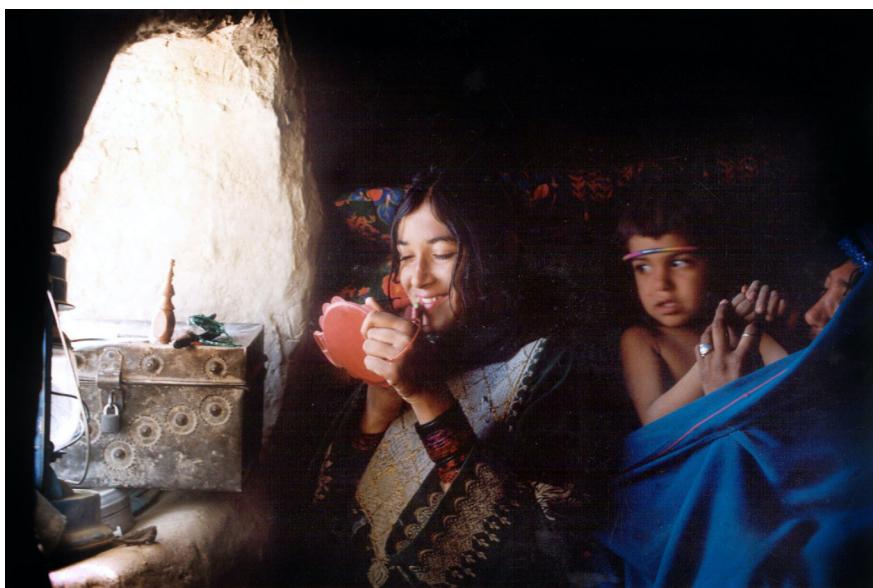


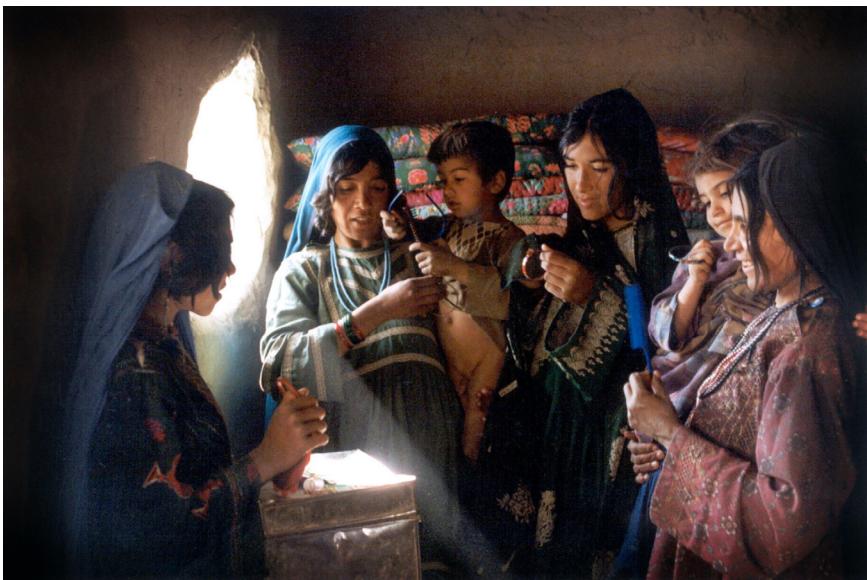














۱۱ سپتامبر

فیلمنامه و عکس

سمیرا مکملیاف

